

## نقش گرگ از اسطوره تا تاتو

گلناز عابدینی<sup>۱</sup>، احمد حیدری<sup>۲</sup>، علیرضا سلمانی انباردان<sup>۳</sup>

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته پژوهش هنر دانشگاه آزاد اسلامی واحد طبس

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد طبس

۳- دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

### چکیده

انسان ابتدایی، گرفتار در جغرافیای محدود، به پاسخ پرسش های هستی شناسانه، پیرامون تبار خود و اینکه از کجا آمده است، نیازمند بود. از اینرو، در برخی نقاط با این گمان که گیاه یا جانوری خاص نیا و جد و تبار او است، برای آن گیاه یا جانور، سرشتی خاص تصور می کرد که به این عناصر با این تصور، در مطالعات ادیان، توتّم گفته می شود. از جانورانی که از دیرباز در فرهنگ های گوناگون به علت داشتن فضای زیستی مشترک با انسان، کاربرد توتمی داشته اند، گرگ ها بوده اند. با اینکه گرگ، در فرهنگ جهانی و ایرانی غالبا چهره منفی داشته و دارد و این ویژگی را در تولیدات فرهنگی در قالب کتاب، فیلم، مّتل، اشعار و... باز تولید کرده اند با واكوی فرهنگ مردم می توان نشانه هایی از چهره ی مثبت، این جانور را باز شناخت. مطالعه ادبیات توتّم ها در اسطوره ها می تواند به تغییر نگاه، به منظور احترام به این جانور مهم در چرخه طبیعت کمک کند. توتّم ها، معمولا موضوع مراسم پرشور و تشریفات و آیین های خاصی قرار دارند که با کشیدن نقوش به روش های گوناگون بر روی بدن خود، سنتی را کم و بیش تحت نام خالکوبی (تاتو) حفظ کرده است. یکی از کاربردهای تاتو یا خالکوبی، بازنمایی باور ها و اعتقادات فردی و اجتماعی است و گرگ از نقوش پر کاربرد در تاریخ خالکوبی بوده است که می توان نگاه مثبت به این جانور را به عنوان توتّم از میان نقش های توتمی خالکوبی شده دریافت کرد. یافته های این مقاله نقش اسطوره گرگ و خالکوبی (تاتو) این جانور را در تمدن ها و فرهنگهای مختلف و نیز ادبیات فارسی به طور اجمال نشان می دهد.

واژگان کلیدی: توتّم، تاتو، اساطیر، گرگ، ادبیات

### ۱- مقدمه

توتّمیسم یکی از باورهای انسان بدوی قبل از رسیدن به دوران دین باوری متأخر است که بر اثر آن، رفتاری در قالب آیین ها، سنت ها و کنش گری فردی و گروهی که به گونه مشترک بر اهمیت گیاه یا جانور تاکید می ورزد. بسیاری از دانشمندان آن را مرحله ی ضروری و عمومی تکامل جامعه بشری می دانند. اما نمی توان توتّمیسم را به طور فراگیر در همه ی اقوام و فرهنگ ها جست. اصل مشترک آنها، اعتقاد به شی یا جاننداری مقدس است. می توان برای توتّمیسم وجوهی اشتراکی در نظر گرفت:

- ۱- رابطه رمزی یا پنهانی واحدهای اجتماعی انسان های ابتدایی با انواعی از جانوران، گیاهان و سایر پدیده های طبیعی، و حتی اشیاء مصنوعی، منشا توتمیسم است.
  - ۲- بسیاری از پدیده های یاد شده تابو هستند یعنی حرمت دارد و توتم گرایان حفاظت آنها را بر عهده می گیرند، تا مبدا کسی به آنها صدمه بزند یا آنها را بکشد و در صورت خوردنی بودن بخورد.
  - ۳- نام و نشان توتمی از راه پدر تباری یا مادر تباری از اسلاف به اخلاف منتقل می شود.
  - ۴- نام گروه های توتم گرا، به طور مستقیم یا غیر مستقیم، از توتم گرفته شده است.
  - ۵- توتم ها که برای خود انواع اصلی و فرعی دارند، کمابیش با مقتضیات زندگی ابتدایی مربوط اند، اما فهمیدن اینکه چرا گیاهان و جانوران، یا نمونه های دیگر که گاهی اهمیت بارز یا رابطه صریحی با گروه توتمی ندارند به صورت توتم در می آیند بسیار مشکل است. ظهور توتم شاید بر اثر حوادث کهنی که بر محققان روشن نیست صورت گرفته باشد.
  - ۶- اخبار و افسانه هایی که در مورد ماهیت توتم و منشا گروه های انسانی به دست آمده اند مملو از آگاهی هایی درباره پیشینه اجتماعی انسان است. مطابق برخی از این منابع، نیای گروه توتمی در ابتدا جانور غیر انسانی بوده است و سپس به صورت انسان در آمده و بنیاد گذار گروه توتمی شده است. به موجب برخی از منابع دیگر، جدّ اعلاّی گروه با جانور آمیزش کرده و گروه توتمی، نوادگان او به شمار می روند. در بسیاری از منابع هم از پیوند گروه با جانور یا گیاهی که به عنوان ماده خوراکی یا عاملی دیگر به کار می رفته، سخن به میان آمده است.
  - ۷- نشان ها، نمادها و تابوها از الزامات حتمی گروه توتمی هستند.
  - ۸- همان طور که در تمام جوامع ابتدایی معمول است، اعضای کلان ملزم به حمایت و دفاع از یکدیگر هستند و از زد و خورد برحذرند.
  - ۹- در درون اعضای کلان زناشویی یا آمیزش جنسی از محرّمات اکید است، یعنی عملی تابویی شمرده می شود. (آزادگان ۱۳۷۲: ۷۴-۵)
- از میان نام های پرشماری از گیاهان و جانوران که در درازنای تاریخ به عنوان توتم نزد اقوام گوناگون شناخته می شده است نام گرگ بسامد بسیاری دارد. این توتم را می توان نزد مردم با تفاوت های جغرافیایی و نژادی مشترک دید و شناخت در کهن ترین ادوار اساطیر، حیوانات و بشر، حقیقتاً از یکدیگر تشخیص پذیر نیستند. «موجودات نیمی انسان و نیمی حیوان هستند و در برخی مواقع، ویژگی های خدایی نیز دارند.» (لوی استراوس ۱۳۸۰: ۲۳). برای نمونه به روایت الیاده، داک ها قابلیت تغییر شکل آیینی به گرگ را داشتند. این چنین تغییر شکل آیینی پدیده ای بسیار گسترده و ثبت شده در منطقه بین بالکان و کاربات یک تقلید آیینی از رفتار و هیأت ظاهری گرگ بود که زمینه ساز گرد هم آوردن گروهی از جوانان جنگجو شد که با آیین های خاصی و به شیوه گرگ ها می زیستند. این امر یک «تجربه جادویی- دینی بوده که جوان را کاملاً به جنگجو مبدل می کرده است. چنین جوانانی برای رسیدن به خصلت یک جنگجوی واقعی، پوست گرگ بر تن می کردند و می کوشیدند تا تمام خصلت های «گرگ» را بروز دهند. در این لحظه او دیگر نه یک انسان، بلکه آدمخوار، درنده خو، شکست ناپذیر و تحت تسلط «خشم پهلوان» بود. این گونه روایت، خاص این ناحیه نبوده است بلکه نمونه های آن را می توان در آلمان، یونان، آمریکا و آفریقا نیز مشاهده کرد. در فرهنگ باستانی ایران و روایت متون پهلوی از این افراد با عنوان «گرگ دو پا» یاد شده است. (قلی زاده ۱۳۸۹: ۸۷).
- توتم گرگ چه در آثار ادبی و نوشتاری و چه در تصاویر توانست جایگاهی خاص پیدا کند که ردپای آن را در فرهنگ های مختلف تا به امروز می توان پی گرفت.
- خالکوبی به زبان انگلیسی tattooing نامیده می شود و از کلمه tatu یا tattoo اقتباس شده که به معنای علامت گذاری یا سوراخ کردن پوست است و آن را از زبان تاهیتی گرفته اند. «تاخدا جیمز کوک» نوشته: هم مرد و هم زن بدنهای خود را رنگ

می‌کنند و با قرار دادن رنگ سیاه زیر پوست خود به شیوه‌ای که دیگر محو نشود و بعضی به معنی داغ کردن آن را به کار برده‌اند.

در بین ترک‌ها، سرخپوستان، چین، یونان و بسیاری از اقوام دیگر از جمله ساکنان فلات ایران این نقوش به وفور دیده می‌شود. در لغت نامه دهخدا در برابر واژه خالکوبی این تعریف آورده شده است: «خالکوبی عملی است که بدان بُشره آدم را نگارین کنند به صور گلها و یا حیوان و آن را به وسیله آجیدن بشره یا سوزن و نیل پاشیدن به جای آمده باشد.» و بر این کار این معادلها آورده شده خال کوفتن، کبودی زدن، وشم و توشیم.

مریم فرهودی مردم شناس درباره خالکوبی می‌گوید: «خالکوبی در اصل ریشه قبیله‌ای و طایفه‌ای دارد و اگرچه پیش بینی می‌شد که با وجود پیشرفت تمدن و گسترش شهرنشینی دیگر جایی برای بروز آیین‌ها و رسومات قبیله‌ای باقی نماند اما آن طور که از شواهد پیداست انگار این روزها گروه‌های مختلفی با انواع و اقسام آیین‌های متنوع جایگزین آنها شده‌اند و استفاده از این پدیده و حرکت جامعه به سمت نمادگرایی، اعضای یک گروه را به یک نوع طرز فکر خاص سوق می‌دهد و مجبورشان می‌کند از قانون‌های نانوشته پیروی کنند» (یکتا ۱۳۸۸: ۴۴).

توجه به خالکوبی دلایل مختلفی دارد از جمله: همگون سازی، سحر و جادو، داشتن پیوندهای تباری، زیبا جلوه دادن و دیگران را به تماشای خود خواندن، درمان بیماری، رسم قبیله‌ای، توتم پرستی، ترسناک به نظر آمدن حتی توجه به جنبه مذهبی که ایجاد آن طی مراسمی با قربانی کردن و دعا خواندن همراه بوده است و طرح‌ها از میان جانوران مقدس یا اشیایی انتخاب می‌شده که مظهر خدایان بوده و تحت حمایت مخصوص خدایان قرار می‌گرفته و «نوعی هنر ظریف کاری بود که استادان ماهر و چابک دست آن را طوری انجام می‌دادند که درد کمتری داشت و خیلی سریع بهبود می‌یافت.» (دانشنامه فرهنگ مردم ایران ۱۳۹۳: ۶۶۴/۳)

از حنا برای خالکوبی در مناطق مختلف بهره می‌برده‌اند؛ در خاورمیانه برگهای گیاه حنا به عنوان زیبا کننده دست و پا مورد استفاده قرار گرفته است. در هند زنان قبل از رخدادهای بزرگی چون ازدواج خود را با حنا می‌آراستند. در مصر حنا برای رنگ کردن نوک انگشتان، کف دست و پاشنه پا مورد استفاده قرار داشته. نقاشی‌های قدیمی در Ajanta غارهای Elogه نزدیک مومیایی که تاریخ آن به ۳۵۰ بعد از میلاد باز می‌گردد به طور مشخص شاهزاده‌ای را نشان می‌دهد که زیر درختی دراز کشیده و چهره‌ای خواب‌آلود دارد و دستها و پاها و نیز با حنا نقاشی شده است. گیاه حنا با خودش شانس و ثروت با ارمغان می‌آورد. (اکبری ۱۳۸۳: ۱۷) و این گونه استفاده از حنا را می‌توان به طور زنده در مراسم حنابندان که یکی از آیین‌های ازدواج در فرهنگ‌های گوناگون از جمله ایرانیان، عرب‌ها، ترک‌ها، ترکمن‌ها و ... است، دید و دانست.

شاید انسان در ابتدا برای آرایش بدن خود از رنگ و خالکوبی استفاده کرده است اما موارد تصادفی در خالکوبی در میان کارگران صنعتی دیده شده است که آنها تصادفاً ضمن حمل زغال یا مواد رنگی دیگر، خراشی به بدن خود وارد آورده‌اند و علامت‌هایی از این عمل بر بدن آنها به جا مانده است. بشر نخستین بر اثر تصادف و اتفاق مانند فرورفتن خاری در دست به هنگام روشن کردن آتش، به فکر خالکوبی افتاده است. هربرت اسپنسر (۱۹۰۳ - ۱۸۲۰) Herbert spencer می‌گوید: بعضی افراد به ارواح اشخاص متوفی خون تقدیم می‌کردند و علائمی که بدین ترتیب باقی می‌ماند حاکی از انقیاد نسبت به آنها یا پیوستگی نزدیک به آنها بوده و به صورت علائم قبیله‌ای در می‌آمد (بهزادی ۱۳۶۸: ۱۹۵-۱۹۴)



تصویر ۱: ماخذ سایت [www.journeyingpinay.com](http://www.journeyingpinay.com)

در دوران مدرن نیز نزد انسان امروزی، باز می توان این باور ها و اعتقادات را با شمایی متفاوت باز شناخت. برای نمونه فیلمهای گرگینه ها و همچنین در هنر Body Art، که هنرمندان در آراء و آثار خود در حکم مقابله یا مبارزه و در پی اعاده ی حقوق طبیعی بدن انسان هستند و هنرمند در جهت اجرای هنر خود بر تن برهنه خویش می باشد (کلکن ۱۳۹۴: ۲۶۸-۲۶۷).

با توجه به دیرینگی اساطیر مربوط به گرگ به عنوان توتم و تاتو، در این جستار محققان سعی کرده اند که ارتباط بین تاتو و توتم گرگ را بررسی کنند با این فرضیه که تاتوی گرگ در گذشته گرفته شده از باور و اعتقاد به توتم گرگ است به گونه ای خود آگاه، انجام شده است اما در جهان امروز این کار به شکل ناخودآگاه انجام می شود؛ در راستای این موضوع رقیه بهزادی (۱۳۶۸) در مقاله‌ای با عنوان «خالکوبی از دیر باز تا کنون» به بررسی تاریخچه خالکوبی پرداخته و نصرت الله بختورتاش (۱۳۸۳) در کتاب «تاریخ پرچم ایران» به نقش گرگ در درفش ها اشاره کرده است اما پاسخ به این پرسش ها که با گذشت زمان چه تغییری بر کارکرد نقوش تاتو ایجاد شده؟ و اینکه چگونه می توان با بررسی ظاهری نقوش تاتو ریشه اعتقادی آن را شناسایی نمود؟ و همچنین نقش گرگ در تاتو نماد چیست؟ اما جای تحقیق مستقل در این زمینه در زبان فارسی خالی به نظر می رسد که این جستار درصدد پر کردن بخش کوچکی از این خلا است.

## ۲- اسطوره گرگ و تاتو در یونان

در اسطوره های یونانی می خوانیم که: «لوکائون» Lycaon پسرش، «نوکتیموس» Nyctimus را تکه تکه کرد و برای «زئوس» Zeus خدای خدایان خورش درست کرد و زئوس دانا فهمید که غذای پیش رویش چیست، و فریاد کشید تو شایستگی نام انسان را نداری! از وحشیان باش و در کوه ها و دره های متروک بمان، تو گرگی! لوکائون خواست چیزی بگوید اما جز زوزه گرگ از گلویش بر نیامد، خواست بایستد ولی جز بر چهار دست و پا نتوانست. او گرگ شده بود. در رأس دسته و پسرانش نیز که همه گرگ شده بودند به دنبالش (گرین ۱۳۹۲: ۵۷). گرگ نر در شب می بیند و نماد نور و حیوانی خورشیدی، قهرمان، جنگجو و نیای اساطیری است این مفهوم یونانی بوده، به معنای درخشان و به عنوان لقب «آپولون» Apollon نسبت داده شده بود. (شوالیه و گبران ۱۳۸۵: ۷۱۴) در آناتولی، زنان عقیم به گرگ توسل می جستند تا صاحب فرزند شوند.



تصویر ۲: ماخذ سایت [en.wikipedia.org](http://en.wikipedia.org)



تصویر ۳: ماخذ سایت [www.vanishingtattoo.com](http://www.vanishingtattoo.com)

یونانیان قدیم تاتو را عملی پسندیده و مخصوص طبقه اشراف و شجاعان می دانستند (فرجام ۱۳۵۴: ۴). براساس نوشته های هرودوت Herodotus، شمار بسیاری از مردم شهر تبای یا تبس که در استان یونان مرکزی واقع بود به دستور خشایار شاه بعد از فرمانده شان «لئونتیاداس» خالکوبی شدند. این کار خالکوبی برای آن بود که تبایی ها از ایرانیان شناخته شوند (صائبی

۱۳۹۴) که کارکرد متمایز کننده ی خالکوبی در این روایت تاریخی دیده می شود؛ هرودوت درباره زنان تراکیه نوشته است که آنها از خالکوبی به عنوان نشان نجابت و اصالت استفاده می کردند. (بهزادی ۱۳۶۸: ۱۸۲)

به گفته «هرودوت» خالکوبی ریشه در تاریخ باستان دارد و در بین مردم تراس که اکنون قسمتی از آن در یونان و قسمتی دیگر در ترکیه قرار دارد متداول بوده است. در آن سرزمین خالکوبی علامتی افتخار آمیز بین طبقات اجتماعی و نشان دهنده ی وجاهت و اصالت محسوب می شد. و نقش هایی را بر اطراف پیشانی، شقیقه ها و مچ دست ها یشان برای درمان سر درد، تقویت چشم و درمان تورم مفصل می کشیدند.

### ۳- اسطوره گرگ و تاتو در روم

بنیان گذاران شهر رُم یعنی «رمولوس» و «رموس» نیز پس از تولد توسط ماده گرگی پرورش می یابند. به موجب معروف ترین روایات، این دو نفر پسران «مارس» هستند، وی «رئا» را هنگامی که برای تهیه آب جهت قربانی به جنگل رفته بود، فریفت. «آمولیوس» عموی رئا پس از آگاهی از این مطلب او را به زندان افکند و هنگامی که فرزندان دو قلو ی او به دنیا آمدند، آنها را در دامنه کوه پالاتن رها کرد، دو طفل مزبور در زیر سایه درخت انجیر قرار گرفتند. در آن جا، ماده گرگی که خود به تازگی صاحب فرزند شده بود، بر آن دو طفل رحم آورد و به پرورش آنها قیام کرد.

گرگ نقش راهنمای ارواح را بر عهده دارد و رومی ها جنایتکاران و برده ها را خالکوبی می کردند تا بعد از مرگ راهنمای آنان باشد.

در آواز خاکسپاری روم باستان در گنجینه ی شعر جهان عنوان می کند:

باز ظاهر می شود گرگ / در برابرت / او را به جای برادرت گیر / چرا که می داند گرگ

قانون جنگل را / هدایت می کند تو را / از جاده ی هموار / سوی شاهزاده / سوی بهشت (شوالیه و گبران

۱۳۸۵: ۷۱۹)

### ۴- اسطوره گرگ و تاتو در چین

در روایات چینی یکی از خاقان های هون ها که از قبایل زرد پوست و مهاجم در شمال چین بودند، دو دختر بسیار زیبا رو داشت، اطرافیان خاقان اعتقاد داشتند که این دختران شایسته خدا هستند. خاقان تصمیم می گیرد این دختران را به خدا هدیه کند و بدین جهت آنان را در قلعه بزرگی در نقطه ای که کسی را بدان دسترسی نبود پنهان می سازد. روزی در مقابل این قلعه گرگی ظاهر می شود و یکی از دختران خیال می کند که این گرگ فرستاده خداست و با آن گرگ هم آغوش می شود و «ویغورها» از پیوند گرگ با آن شاهزاده خانم زیبا به وجود می آیند. امروزه از سالنامه های چینی در می یابیم که در دوره امپراطوری بزرگ هون علامت گرگ در لشگرکشی ها موجود بوده است (ساندرز ۱۳۶۳). خالق سلسله چینی، گرگ آبی آسمان خوانده می شد، در چین گرگ آسمانی (صورت فلکی شعرای یمانی، کلب اکبر) بوده که نگهبان قصر آسمانی (دب اکبر) است. (شوالیه و گبران ۱۳۸۵: ۷۱۵)





تصویر ۵: ماخذ سایت rattatattoo.com

تصویر ۴: ماخذ سایت www.pinterest.com

در چین باستان خالکوبی دارای اهمیتی خاصی بود. نمادگرایی آن با مفهوم اولیه‌ی حروف و ن نشان داده شده، که نشانه‌ی حروف و حکمت کنفسیوسی است. بعضی نقاشی‌های چینی، مردمی خالکوبیده را نشان می‌دهد که به معنی توسل داریم، همذاتی با قدرت‌های آسمانی، و در عین حال شیوه‌ای اساسی برای ارتباط با آنهاست. خالکوبی به خصوص در چین، به انسان اجازه می‌داد که خود را با بعضی حیوانات همذات‌پنداری کند. این امر به وضوح به دلیل در تملک داشتن فضیلت یا خاصه‌ای است که آن حیوان نشانه‌ی آن است و در عین حال علامت قبیله و مظهر قدرت آسمانی است. خالکوبی در کل به نمادهای همذات‌پنداری تعلق دارد و از تمامی نیروهای بالقوه کاینات و معنویت سرشار است.

چینی‌ها نقش حیوانات را بر ستون فقرات خالکوبی می‌کنند و معتقدند که نیرو و قدرت حیوان به آن شخص منتقل می‌شود و این شیوه در مبارزات تن به تن چون کاراته و تکواندو و کنگ فو در افرادی که در این رشته‌ها کار می‌کنند بیشتر دیده می‌شود.

## ۵- اسطوره گرگ و تاتو در سرخپوستان

در میان اکثر قبایل سرخ پوستی اسطوره گرگ اهمیت دارد، مثلاً افراد قبیله «اکتاگون» بر این عقیده بودند که گرگ تمامی موجودات اهریمن و غول‌های زمین را از بین برده و با سفر به اکناف زمین به راهنمایی سرخ پوست‌ها پرداخته است و راه و رسم زندگی را به آنان آموخته است (رادفر ۱۳۹۳).



تصویر ۸: ماخذ سایت www.askideas.com



تصویر ۷: ماخذ سایت www.orgsites.com

گرگ سفید در میان قبایل سرخپوست آمریکای شمالی حیوان مقدسی محسوب می‌شود و تاتو حیوان در میان آنها کاربرد جادوگری و مذهبی داشته، حفاظی سحر آمیز علیه بیماری بوده است. در نظر افرادی که خط نداشته‌اند. خالکوبی یک ضرورت بوده است و برای شناسایی افراد و دادن اطلاعاتی درباره فعالیت‌ها و محیط آنها استفاده می‌شده است این تصاویر برای تشخیص یک طایفه یا یک توتم یا موفقیت اجتماعی یا سن افراد کاربرد داشته است و آن را خط نگاری بدوی می‌دانستند. سرخپوستان بر روی پیشانی زنانشان خالکوبی می‌کردند که اگر اسیر شدند با پرداخت پول آنها را پس بگیرند (بهزادی ۱۳۶۸: ۱۹۳).

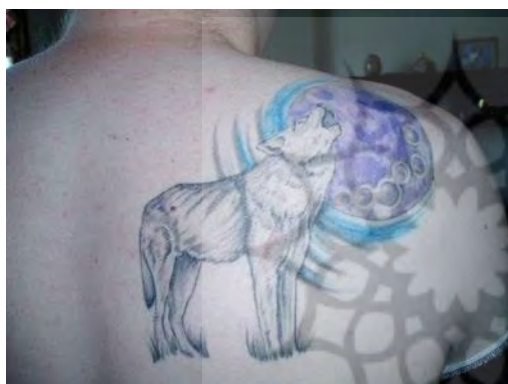
## ۶- اسطوره گرگ در ژاپن

در ژاپن به گرگ متوسل می‌شوند تا از آنها در مقابل تمامی حیوانات و حشی حمایت کند. در «کامچانکا» در جشن سالانه اکتبر تصویر گرگ را با علوفه درست می‌کنند و آن را یکسال حفظ می‌کنند تا گرگ با دختران روستا ازدواج کند.

(شوالیه و گربان ۱۳۸۵: ۷۱۶) در این کشور سوزن های فلزی در خالکوبی به کار می‌رود و رنگ های شنگرف و آبی پروس نیز استفاده می شود.

## ۷- اسطوره گرگ در ترک ها

ترک ها در قرن هشتم میلادی امپراطوری بزرگ «گوک ترک» را تشکیل دادند. توتم قبیله‌ای آنها گرگ بود و سر گرگ را هم که از طلا ریخته بودند بر سر چوب پرچم های خود نصب می کردند. در داستان «وگوز نامه» که شرح تاریخ و فرهنگ قهرمانان و فرمانروایان حماسه ای ترک است چنین آمده است که «اغوز» خاقان، اسب ها را زین کرد و پرچم ها را برافراشت و لشکر را برای جنگ با «اوروم» خاقان حرکت داد. پس از چهل روز وی در دامنه کوهی یخی به نام «بوز داغ» اردو زد و در روشنایی سحرگهان نوری چون پرتو آفتاب بر فضای اندرون خیمه‌اش تابید و از میان آن گرگ بزرگ خاکستری رنگی که یالی بر پشت داشت پدید آمد و گفت او را راهنمایی خواهد کرد (ساندرز ۱۳۶۳).



تصویر ۱۰: ماخذ سایت tattoos.zonster.com



تصویر ۹: ماخذ سایت europeisnotdead.com

«تونگ تین» جلد ۱۹۷ از دائرةالمعارف ۱۹۹ جلدی خود، را به تاریخ و منشاء اقوام ترک اختصاص داده است. سرزمین آنان (قبایل ترکان آسمانی) توسط همسایه بالای (hsi - hai) دریاچه «یستی گول» در آسیای میانه نابود شد. زن و مرد و کوچک و بزرگ همگی قتل عام شدند و تنها فرزندی ده ساله باقی ماند. که به دلیل سن کم از مرگ نجات یافت اما دست و پاهایش را بریدند و به مرداب انداختند. زندگی او با غذایی که ماده گرگی برایش می آورد امتداد یافت. بعد از مدتی پسرک با گرگ وصلت می کند و گرگ حامله می شود. در نظر ترکان «بوزقورد» فرشته‌ای از فرشتگان الهی بود که برای پابندی نسل ترکان به شکل گرگ خاکستری بر ترکان ظاهر شده بود. به نظر می‌رسد بعدها «بوزقورد» به عنوان «درجه ارتشی» مطرح می شود و به کسانی که در راه بقای ملت ترک فداکاری های شایان می کردند عطا می شد. یک درجه بالاتری نیز در میان رده های نظامی و اداری ترکان باستان دیده می شود که از واژه «قورد» گرفته شده و آن «آلپاگوت» است، این لقب تنها مختص کسانی بود که دوره‌های مختلف کماندویی امروزه را با موفقیت می گذراندند و در شکل عملی به رمزنگاری اطلاق می شد که به تنهایی به لشکریان دشمن حمله کرده و بدون اینکه دستگیر شوند از میان آنان خارج می شدند. گرگ توتم اقوام ترک بوده است و بعد از اسلام این اسطوره نیز اسلامی شد و گفته شد قبایل ترک از پشت پسران حضرت نوح به وجود آمده‌اند. (فیض الهی وحید ۱۳۹۲)

محمود کاشغری در دیوان الغات ترک دو واژه «قورد» و «بوری» را به کار برده است که در زبان ترکمنی اصطلاح بوری تغییر شکل داده است. نظر به اینکه گرگ در دوره ی باستان توتم اقوام ترک بوده است استفاده اصطلاح بوری کاربرد دارد. پوتی، (potieh) دانشمند فرانسوی، درباره نقوش درفش مغولان می نویسد که آنان درفش‌های گوناگون داشته‌اند که درفش کرگدن و گرگ از جمله آنهاست (بختورتاش ۱۳۸۳: ۲۰۳).

ترکان صفاتی را که نشان دهنده قدرت و شجاعت است را بسیار ارج می‌نهند و این پایه اصلی اعتقاد اولیه آنان به گرگ آسمانی می‌باشد. در اسطوره «دده قورقود» هنگامی که ایل «سالیر قازان» خان اوغوز به تاراج می‌رود «قازان» آواره و نالان از آب روان سراغ ایل خود را می‌گیرد اما آب روان نمی‌تواند خبری بدهد، از آب گذشت. این بار به گرگی برخورد و گفت «دیدار گرگ امری مبارک است» بگذار از او نیز خبری باز جویم (کاشغری ۱۳۸۳). در کتاب دده قورقود دو بار دیگر از گرگ با احترام یاد می‌شود یکی «قوردون اوزی مبارک»، یعنی روی گرگ مبارک باد و دیگری «قارا باشیم قوربان اولسون قوردوم سانا»، یعنی سر سیاهم قربان تو باد ای گرگ من.

از دیرباز تاکنون نزد برخی از اقوام برای اندام گرگ ها کاربرد دارویی تعریف می‌کردند که این خود برآیند نگاه توتم گونه به این جانور بوده است. برای نمونه، اکنون در روستای قره داغ دست گرگ را در خانه‌ها نگه می‌دارند و هنگامی که گلو بیچه درد می‌کند آن را بر روی محل درد می‌گذارند و معتقدند بیماری بر طرف می‌شود.

گرگ برای ملت ترک، حتی در تاریخ معاصر خود به عنوان یک لقب استعاری است. مصطفی کمال پاشا معمار ترکیه جدید توسط هواخواهانش گرگ خاکستری لقب گرفته بود. ملت ترک به هواخواهی از آتاترک جنگید تا هویت خود را باز یابد و این نمونه بسیار خوبی برای باز تولید مفهوم توتمی گرگ نزد یک ملت در دوره معاصر است (شوالیه و گربران ۱۳۸۵: ۷۱۵). وخالکوبی یکی از شاخصه های هنر تصویری است که از گذشته تا به امروز توانسته است عامل خوبی برای بیان اندیشه های انسان توتم باور باشد.

## ۸- اسطوره گرگ و تاتو در اسکیموها

در میان پادزهرهای مورد قبول یاکوت های سیبری؛ پادزهر گرگ به عنوان مؤثرترین پادزهر شناخته شده است. بن مایه دیگر در ارتباط با این جانور، اشاره به عمر طولانی آن است. از سوی دیگر خالکوبی برای اسکیموها آن اندازه مهم به شمار می‌رود که تصور می‌کنند تنها افراد خالکوبی شده به بهشت می‌روند و بقیه که این علامت را ندارند به مصرف خدایان می‌رسند (بهزادی ۱۳۶۸: ۱۹۲).



تصویر ۱۲: ماخذ سایت [www.pinterest.com](http://www.pinterest.com)



تصویر ۱۱: ماخذ سایت [soakley75.deviantart.com](http://soakley75.deviantart.com)

در گذشته خالکوبی میان اسکیموها بسیار دردناک انجام می‌شده است. به این صورت که قسمتی از پوست را با ابزار تیزی مانند چاقو برش می‌زدند تا به رگ برسد و سپس با یک نی نوک تیز از جنس تیغ ماهی عصاره نوعی گیاه خاص را وارد رگ می‌کردند و با یک تیغ بسیار ریز و باریک، پوست بریده شده را بخیه می‌زدند. آنان نقش های بسیار زیبایی بر پوست حک می‌کردند.

در میان اسکیموهای غربی کسانی که وال را شکار می‌کردن شکل این جانور را روی بدنشان خالکوبی می‌نمودند (بهزادی

۱۳۶۸: ۱۹۴).



علت اینکه طایفه ای میان اسیکموها حیوان یا گیاه خاصی را خالکوبی می کنند و خود را با آن نام می خوانند مبتنی بر این اعتقاد بوده که حیات هر فرد را به نوع خاصی از حیوان یا گیاه مربوط دانسته اند و مرگ آن فرد را نتیجه کشته شدن آن حیوان پنداشته اند.

## ۹- اسطوره گرگ و تاتو در سایر اقوام

شهر دائوس - داوا در کشور سوئیس و منطقه ای بین دانوب و بالکان قرار دارد که به معنی « روستای گرگ ها » است، اهالی این شهر مدت ها پیش خود را گرگ یا کسانی که به گرگ شبیه اند نامیده اند (قلی زاده ۱۳۸۹: ۸۵).

الگانکین که در مریلند آمریکا قرار دارد دارای اسطوره ای است که گرگ را چون برادر خدا منه پوچ عرضه می کند. این گرگ در غرب قلمرو مردگان حکومت می کند. (شوالیه و گبران ۱۳۸۵: ۷۱۹)

در «گینه نو» بعضی از افراد دارای علامت تاتو ویژه ای بودند که نشان می داد دشمنان خود را به قتل رسانده اند، در «پولینزی» زبان را به علامت سوگواری خالکوبی می کردند، در «بورنئو» علائمی بر روی ران خالکوبی می کردند تا نشان دهند که فرد مورد نظر توانسته سر دشمن را از تن بگیرد. در قبیله ی «مائوری» نخستین ساکنان جزیره هنگام جنگ چهره خود را با زغال سیاه می کردند؛ اما بعدها این تزئینات شکلی دائمی گرفت و به صورت خالکوبی نمایان شد. (بهزادی ۱۳۶۸: ۱۹۵-۱۹۴)

در «استرالیا» شکاف های بالنسبه پهن بر روی پوست به وجود می آوردند که زخم ها پس از التیام به صورت نقوش برجسته به جا می ماند. در «زلاندنو» خالکوبی «موکو» مخصوص جنگجویان است. در ایتالیا بین ملوانان، کارگران، چوپانان رسم خالکوبی وجود دارد. ریشه های خالکوبی مذهبی، عشقی، جنگی، حرفه ای و روانی است (شمس ۱۳۸۷: ۵).

«هندوها» به واسطه حک کردن تصویر «هانامن» برای تسکین درد و مقاومت در برابر بیماری اقدام می کردند. خالکوبی برای تقویت دید چشم در کنار چشمان کهنسالان رایج بوده است. در قرون وسطی یکی از نشانه های اصلی زیارت یک مکان مقدس، انجام خالکوبی در آن محل بوده است. زائران مسلمان از مکه و مدینه دیدار می کردند و خالکوبی به عنوان یادبود انجام می دادند و البته معتقد بودند که قبل از ورود به بهشت به وسیله آتش پاک خواهد شد. در آمریکا نیز خالکوبی بیشتر به منظور ورود کودک به دوره نوجوانی انجام می گرفت (سبزی ۱۳۸۹: ۱).

خالکوبی در مصر ۲۰۰۰ تا ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد انجام می شد البته در آن دوره عقیده بر این بود که روح یک نسخه واقعی از بدن است و از طریق خالکوبی می توان وارد دنیای ارواح شد و با مردگان نیز در تماس بود. خالکوبی گاه به عنوان علامت و نشانه برای متمایز کردن افراد مثلاً زن های شوهر دار از دختران به کار می رفت. حتی از آن به عنوان یک آزمون برای ورود به دوره نوجوانی استفاده می شد. (سبزی ۱۳۸۹: ۱). در دوره ای که مصر باستان در کمال قدرت خود بود، مردم بر روی سینه و یا بازوان خود نام ها یا علائم مربوط به خدایان را خالکوبی می کردند. (بهزادی ۱۳۶۸: ۱۸۱) در گروئیلند که در کشور دانمارک قرار دارد رنگ کردن گونه ها، چانه، دست و پا با نخی آغشته به دوده یکی از نشانه های زیبایی است، آنان این عمل دردناک را بر روی دختران خود در کودکی انجام می دادند تا در آینده بتوانند همسری مناسب اختیار کنند

## ۱۰- اسطوره گرگ و تاتو در ایران باستان

درباره تولد زردشت آمده است که: پدر او چندین بار می خواسته به زندگی او پایان دهد. اول در آتش بسوزاند، سپس او را در مقابل گاوان و اسبان قرار دهد. سوم او را در بیابان رها می کند، اما ماده گرگی او را نجات می دهد (سرخوش کرتیس ۱۳۷۶: ۶۶) همچنین هرودوت در تاریخ خود می گوید که کوروش در زمان کودکی از ماده گرگی شیر نوشیده است (عبدالهی ۱۳۸۱: ۹۱۷).

هرچند در فرهنگ و تمدن ایران، به ویژه در دوره های متأخر، گرگ در ادبیات و هنر غالباً نقش و چهره منفی دارد با وجود این می توان نشانه هایی جست که چهره دیگری از این جانور در نزد ایرانیان نشان می دهد؛ نگاهی گذرا به نام شهرهایی چون گرگ حیدر در نهاوند، گرگدان در کازرون، گرگتج در ساری، گرگردر در همدان همچنین در نام هایی چون گرگعلی خود دلیل روشنی بر این گفته است که واژه گرگ در زندگی مردم عادی حضوری پر رنگ دارد.

نام استان گرگان در متون ایرانی باستان vāhrkāna به معنی «سرزمین گرگ ها» بود و قبایل صحراگردی که در آنجا می زیستند، از سوی نویسندگان یونانی لاتینی هیرکانوی hyrkanoi «گرگ» خوانده می شوند. نام dāha یا dāsa، که جوانان جنگجو آریایی بر خود می نهادند تا به هنگام رزم خوی و خصلت «گرگ» اسطوره های را در خود تقویت کنند. اقوامی که خود را گرگ dahae می خواندند دلیلی بر قدمت این واژه است که احتمالاً از واژه ایرانی سکایی dahae به معنی «گرگ» گرفته شده است (قلی زاده ۱۳۸۹: ۸۶-۸۵).

تا اواسط قرن بیستم بسیاری از ایرانیان خود را برای بهبود بیماری یا دور نگه داشتن از چشم خالکوبی می کردند و «برای درمان باد فتق پسر بچه یا نوجوان، زیر نافش را خالکوبی می کردند تا بیماری پیشروی نکند برای این منظور نوک سوزن خالکوبی را به زهره گرگ می زدند سپس آن را به پشت شرمگاه بیمار فرو می کردند تا خون بیاید و بعد روی آن «سرمه ی هفت جواهر» می پاشیدند تا خال تشکیل شود» (دانشنامه فرهنگ مردم ایران ۱۳۹۳: ۶۶۶/۳) نقش ها بر روی بدن افراد نوعی قهرمانی کاذب در اذهان دیگران ایجاد می کند. هرودوت در باره تاریخ خالکوبی از غلامی یاد می کند که از شوش به نزد آرتیاگوراس Aritaguras در ملطیه از سوی هیستیاوس Histaus فرستاده شده به این توصیه که او سر غلام را بتراشد، این در حالی بود که دیدند پیامی بر روی سر غلام خالکوبی کرده بودند و از آرتیاگوراس خواسته شده بود که علیه ایرانیان سر به شورش بردارند (بهزادی ۱۳۶۸: ۱۹۳).



تصویر ۱۳: ماخذ سایت [www.pinterest.com](http://www.pinterest.com)

خالکوبی در ایران در گذشته تنها اثر زیبایی و نقش و نگار در بدن نبوده است، بلکه کاربردهای ویژه از جمله کاربرد درمانی داشته است و این روش بیشتر در مناطق جنوبی ایران یعنی خوزستان و مناطق عرب نشین رواج داشته است و اکنون ادامه دارد. در خالکوبی به روش ایرانی برای درمان تورم های خاصی در بعضی از نقاط بدن یا دمل ها و غده های دیگر به ویژه مفاصل و یا گلو از خالکوبی استفاده می شد....

## ۱۱- اسطوره گرگ و تاتو در ادبیات

ادبیات فارسی به عنوان یکی از غنی ترین جلوه های فرهنگی ملت ایران در ادوار تاریخ به خوبی توانسته بخش های پیدای و پنهان از فرهنگ گسترده خود را نمایان سازد. توتم گرگ نیز از این قاعده مستثنی نیست که در جای جای آثار ادبی دیده

می شود نبرد ایرانیان با توتم ترکان مانند نبرد گرشاسب پهلوان ایرانی با «کبود گرگ» که جانشین نام خاص اوستایی پشته paøana شده است. (مدرسی و عزتی ۱۳۹۱: ۹۲). یکی از این شواهد ادبی می باشد.

دگر آنکه در بیشه مزرقون یکی گرگ پیدا شده پرفسون  
گوزنان چو شاخ و چو پیلان دو نیش دل عالمی گشته زان گرگ ریش  
(فرامرنامه ۱۳۸۲: ۵۷. ۴۰/۴۱)

در برزو نامه درفش تورانیان به هنگام عزیمت برزو، پسر سهراب به ایران، گرگ پیکر معرفی شده است:  
بفرمود تا گرگ پیکر درفش سرش بند زرین، غلافش بنفش  
(کوسج ۱۳۸۷: ۳۶. ۴۴۷)

حضور گرگ در شاهنامه فردوسی به عنوان اثری که فرهنگ دیرباز ایرانیان را به طرز شایسته به تصویر می کشد گواه دیگری بر این مدعا است.

یکی گرگ بیند بکردار نیل تن ازدها دارد و زور پیل  
سرو دارد و نیشتر چون گراز نیارد شدن پیل پیشش فراز  
بر آن بیشه بر نگذرد نره شیر نه پیل و نه ببر و نه مرد دلیر  
(فردوسی ۱۳۸۶: ۵/ ۲۵. ۳۱۴/۳۱۶)

کاربرد گرگ در کنار دیگر جانوران درنده چون شیر و ببر و پلنگ در شمار لشکریان در شاهنامه آمده است:  
پری و پلنگ انجمن کرد و شیر ز درندگان گرگ و ببر دلیر  
سپاهی دد و دام و مرغ و پری سپهدار با گیر و کنداوری  
(همان: ۱/ ۲۴. ۵۸/۵۹)

وجود واژه گرگ در نام پهلوانانی چون «گرگین» و «گرگسار» و نقش پیکر آن بر روی درفش آنان از بن مایه‌های قابل توجه است. دلیل عمده وجود چنین امری، شاید به نوع دین در دوران باستان و جوامع ابتدایی باز گردد که همانا پرستش توتم است. در شاهنامه به نام پهلوانانی چون «گرگین» و «گرگسار» برمی‌خوریم. نقش پرچم گیو، فرزند گودرز پرچمی با تصویر «گرگ» است

یکی گرگ پیکر درفشی سیاه پس پشت گیو اندرون با سپاه  
(همان: ۳ / ۲۰. ۲۹۳)

شاید واژه «گرد» که در شاهنامه از بسامد بالایی برخوردار است با واژه «قورد» هم تبار، و با گرگ هم ریشه باشد!!  
گردان دو صد با درفشی چو باد همیدون به گرگین میلاد داد  
در ادبیات فارسی به کسانی که می‌توانستند در جنگ گردی (قوردی) را دستگیر نمایند لقب گردگیر (قوردگیر) می‌دادند.  
امروزه نیز در ارتش به جمع چهار یا پنج گروهان، یک گردان اطلاق می‌شود و درجه‌ای سرگرد است که همان باشقرد (باش قورد = قورد باشی) زبان ترکی است (فیض الهی وحید ۱۳۹۲).

فردوسی در مورد پهلوانان گردگیر در بعضی از اشعارش همچنین سروده است:  
دلیر است و اسب افکن و گردگیر عقاب اندر آرد ز گردون به تیر

در گرشاسب نامه هم تصویر گرگ بر درفش دیده می‌شود چنانکه نریمان پس از تصرف چین، در میان گنج فغفور و دیگر غنایم، درفشی گرگ پیکر از جنس ابریشم به دست می‌آورد و آن را به فریدون شاه هدیه می‌کند:

بر او پیکر گرگی افراشته به نوک سرو پیل برداشته  
(اسدی طوسی ۱۳۸۲: ۳۶۴. ۱۰۲)

یکی گرگ بینی چو یک ژنده پیل همه سر چو برف و همه تن چو نیل  
(فرامرنامه ۱۳۸۲: ۵۸، ۴۵)

کاربرد دیگر نقش گرگ بر روی درفش ها، حکایت از نوعی استراتژی جنگی دارد. در گذشته پیکر جانورانی چون گرگ، اژدها، شیر و... را از پارچه یا چرم می ساختند و هنگام برافراشته شدن، بسته به آهنگ حرکت پرچم دار، این پیکره ها از راه دهان از هوا انباشته می شد و مانند جانور زنده در می آمد که باعث ترس و نگرانی در سپاه دشمن می شد (بختورتاش ۱۳۸۳: ۱۱۷).



تصویر ۱۴: ماخذ سایت [nvdaily.ru](http://nvdaily.ru)

با بررسی داستان های فولکلور، از آنجا که حاصل دست آوردهای یک جامعه در طول تاریخ است می توان بخشی از فرهنگ های کم رنگ یا فراموش شده را بازشناسی کرد. در یکی از افسانه های عامیانه «افسانه آدمی گرگ صورت» جوان ثروتمندی روزها به شکل گرگ در می آید (درویشیان و خندان ۱۳۷۹: ۶۶-۶۵). همچنین در آسیای مرکزی، اسطوره جفتگیری گرگی فرا طبیعی با یک شاهزاده خانم، ممکن است باعث تولد یک قوم می شود (الباده ۱۳۷۹: ۲۹۴). جنگجویان آریایی وهرکه (vehrka) گرگ نامیده می شدند و مخالفان آنها را گرگ های دوپا می خواندند. نشان آنها یک درفش بوده که تصویر گرگ داشته است (ویدن گرن ۱۳۷۷: ۴۶-۵۰) در تأویل و تفسیر عامیانه مردم، خواب دیدن گرگ نشان شانس و خوشبختی است. بن مایه اسطوره‌ای - حماسی کودک و گرگ که در کنار او رشد کرده و با شیر او پرورش می یابد شکل دیگری از این نقش حمایتی گرگ است.

همانا که تو شیر سگ خورده‌ای چو با بچه گرگ پرورده‌ای

(ابن ابی الخیر ۱۳۷۰: ۱۴۱، ۲۱۷۲)

باز تولید نقش اساطیری گرگ را در داستان های مدرن هم می بینیم برای نمونه رضا براهنی در رمان رازهای سرزمین من از ماده گرگی می گوید که بچه‌هایش توسط ماموران شاه کشته شده‌اند؛ از کوه سبلان پایین می آید و به صورت زنی جنگجو، قهرمانانه در انقلاب ضد سلطنتی شرکت می کند و رژیم را سرنگون کرده، باز به سبلان بر می گردد که خود باز تولید کهن الگوی گرگ و توتم آن است.

خالکوبی در آثار ادبی هم از قدمتی خاص برخوردار است از جمله داستان «مرد کبودی زن» به خوبی می توان به قدمت رسم خالکوبی در ایران و نقش های متعدد آن که مورد استفاده قرار می گیرد اشاره کرد که رسم پهلوانان قدیم بودهاست.

سوی دلاکی شد قزوینی که کبودم زن بکن شیرینی

گفت چه صورت زخم ای پهلوان گفت بر زن صورت شیر زبان

گفت بر چه موضعت صورت زخم گفت بر شانه گهم زن آن رقم

(مولوی ۱۳۹۴: ۱۵۴)

## ۱۲- گرگ و تاتو در فرهنگ دینی

توتم‌ها همواره متضمن وحدت با جامعه و قبیله هستند، چون رابطه‌ای که از رهگذر این اندیشه و طرز تفکر در بین فرد فرد قبیله به وجود آمده، رابطه‌ای است دقیق و در عین حال قوی و ناگسستنی است.

مذهب که در بین مردم نفوذ زیادی دارد و در حفظ عادات و رسوم یک جامعه عامل بسیار قوی محسوب می‌شود، مسلماً در ابقای این رسم خالکوبی تاثیر زیادی دارد. فینیکی‌ها علامت الوهیت را بر پیشانی خال می‌زدند، در جزیره مارشال برای خالکوبی باید از پیشگاه خدایان مسئلت نمود. زنان ارتودکس اگر خالکوبی نکرده باشند از سعادت ابدی برخوردار نمی‌شوند، مسیحیانی که به زیارت بیت اللحم می‌رفتند بایستی از این رسم در معبد مقدس پیروی کنند و بر بدن خال بکوبند (شمس ۱۳۸۷: ۸) در برخی ملل خالکوبی عملی مقدس است که برای رضایت خدایان ضرورت دارد.

گرگ با آنکه در داستان‌های مذهبی و گفتمان دینی نماد آزمندی و میل به خونریزی است در گزارش‌هایی، هرچند اندک می‌توان در لابه‌لای متون مختلف چهره‌ای در تضاد با این چهره از آن دید: یافت، پسر نوح (ع) پرورش یافته با شیر گرگی مهربان است. (گردیزی ۱۳۴۷: ۲۵۶). بعد از اسلام این اسطوره نیز اسلامی شد و گفته شد قبایل ترک از پشت پسران حضرت نوح به وجود آمده‌اند. در حمله حیدری بادل مشهدی، گرگ به پیامبری حضرت محمد (ص) بر مرد یهودی اعتراف می‌کند. (بازرگان ۱۳۹۳: ۵۶).

## نتیجه

انسان در فرهنگ‌های شکارگری، کوچ‌نشینی و کشاورزی، رابطه‌ای همراه با تنش با گرگ بر سر منابع غذایی داشته است از آن رو چهره این جانور، غالباً به گونه‌ای منفی، نمایش داده شده است، هر چند گاهی می‌توان تصویری بر خلاف این چهره را دید و باز جست. نشان دادن چهره دیگری از گرگ که کمتر دیده شده است که می‌تواند به تغییر نگاه انسان امروزی نسبت به حیوانی وحشی ولی بسیار مهم در چرخه طبیعت که بیشتر با صفات منفی شناخته می‌شود. آنجاست که ویژگی‌های دیگری از گرگ برجسته شده است مانند شجاعت، خطرپذیری و باهوشی ... همین نگاه بن‌مایه‌ی تبدیل شدن گرگ به یک توتم در فرهنگ‌های گوناگون شده است؛ از سوی دیگر خالکوبی نیز در درازنای تاریخ کارکرد‌های گوناگونی داشته است از آن جمله بازتاب باورهای انسان توتم‌پرست به گرگ‌ها به عنوان توتم، گرگ‌ها با این توصیف توانسته‌اند پای ثابت و یکی از نقش‌های پر بسامد خالکوبان و تاتو زنان بر بدن انسان از دیرباز تا کنون باشند.

تاتو که به طور مستقل در نقاط پراکنده دنیا با اشکال گوناگون به وجود آمده و کارکرد آن در جوامع مختلف متفاوت بوده است و همچنین گرگ و چهره متفاوت آن در اسطوره‌ها، تاثیر شیر آن در پرورش شخصیت‌های اساطیری و دینی، توتم شدن آن در برخی جوامع و خالکوبی کردن تصویر آن بر بدن انسان بحث برانگیز است و باید توجه داشت که به طور کلی بررسی نمادهای مختلف حیوانی و گیاهی و تطبیق با فرهنگ دینی و بازتاب آن در اشعار آیینی و هنر نقاشی بر بدن یا تاتو می‌تواند بستر مناسبی برای تحقیقات باشد.

## منابع

- ۱- آزادگان، جمشید (۱۳۷۲)، تحقیق در توتمیسم، موسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل، تهران.
- ۲- ابن ابی‌الخیر، ایرانشاه (۱۳۷۰)، بهمن‌نامه، رحیم عقیقی (ویراستار)، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- ۳- اسدی طوسی، علی بن احمد (۱۳۸۲)، گرشاسب‌نامه، به اهتمام و تصحیح حبیب یغمایی، پرویز یغمایی (ویراستار)، انتشارات دنیای کتاب، تهران.



- ۴- اکبریان، رزا (۱۳۸۳)، سیر تحولی خالکوبی های هند، تندیس، شماره ۳۶، ص ۱۷، دانشکده هنر و معماری دانشگاه تهران، تهران.
- ۵- الیاده، میرچا (۱۳۶۸). آیینها و نمادهای آشناسازی (رازهای زادن و دوباره زادن)، ترجمه نصرالله زنگوئی، انتشارات آگاه، تهران.
- ۶- بازگان، محمد نوید (۱۳۹۳)، بررسی خوارق عادت یا خلاف آمد عادت ها در حماسه، پژوهشنامه ادب حماسی، سال دهم، شماره ۱۸، ص ۷۶-۴۳، دانشگاه آزاد رودهن، تهران.
- ۷- بختورتاش، نصرالله (۱۳۸۳)، درفش ایران از باستان تا امروز (تاریخ پرچم ایران)، انتشارات بهجت، تهران.
- ۸- بهزادی، رقیه (۱۳۶۸)، خالکوبی از دیر باز تا کنون، چیستا، شماره ۶۲، ص ۱۹۶-۱۸۰، تهران.
- ۹- خسرو کیکاووس (۱۳۸۶)، فرامرزننامه، به اهتمام رستم پسر بهرام تفتی، تصحیح میترا مهرآبادی، انتشارات دنیای کتاب، تهران.
- ۱۰- دانشنامه فرهنگ مردم ایران (۱۳۹۳)، جلد ۳، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران.
- ۱۱- درویشیان، علی اشرف و خندان، رضا (۱۳۷۹)، فرهنگ افسانه های مردم ایران، جلد اول، نوبت چاپ دوم، انتشارات کتاب و فرهنگ، تهران.
- ۱۲- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، لغت نامه دهخدا، جلد های پنجم، ششم، یازدهم و چهاردهم، نوبت چاپ اول، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ۱۳- رادفر، تارا (۱۳۹۳، ۲۱ شهریور)، اسطوره سرخ بوستان آمریکا، از <http://7tara.com/>
- ۱۴- ساندرز، ج. ج. (۱۳۶۳)، تاریخ فتوحات مغول، ترجمه ابوالقاسم حالت، نوبت چاپ دوم، انتشارات امیر کبیر، تهران.
- ۱۵- سبزی، فرانک (۱۳۸۹)، شناخت فرهنگ خالکوبی بین کولیان واقع در خیابان بوعلی شهر کوهدشت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، تهران.
- ۱۶- سرخوش کرطیس، وستا (۱۳۷۶)، اسطوره های ملل (۱) [اسطوره های ایرانی]، ترجمه عباس مخبر، نوبت چاپ دوم، انتشارات مرکز، تهران.
- ۱۷- شمس، علی (۱۳۸۷)، پدیده خالکوبی در زندان، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۸۱، ص ۴-۱۰، سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، تهران.
- ۱۸- شوالیه، ژان و گریبان، آلن (۱۳۸۵)، فرهنگ نمادها، جلد سوم، ترجمه سودابه فضایی، نوبت چاپ اول، انتشارات جیحون، تهران.
- ۱۹- صائبی، نسترن (۱۳۹۴، ۱۱ بهمن)، تاریخچه خالکوبی در دوران باستان، کد خبر ۸۱۷۷۶، از <http://www.ana.ir/news/8177>
- ۲۰- عبداللّهی، منیژه (۱۳۸۱)، فرهنگنامه جانوران در ادب پارسی، جلد دوم، انتشارات پژوهنده، تهران.
- ۲۱- فرامرزننامه (۱۳۸۲)، از سرایندهای ناشناس، به اهتمام مجید سرمدی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران.
- ۲۲- فرجام، پروانه (۱۳۵۴)، خالکوبی و ارتباط آن با آنتی ژن استرالیایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده بهداشت، دانشگاه تهران، تهران.
- ۲۳- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶)، شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران.
- ۲۴- فیض الهی وحید، حسین (۱۳۹۲، ۱۹ دی)، بوز قوردلار و مان قوردلار، از <http://ay.vcp.ir/>
- ۲۵- قلی زاده، خسرو (۱۳۸۹)، ضحاک مار گرسنان در اساطیر ایرانی، فصلنامه تخصصی پیک نور زبان و ادبیات فارسی، سال اول شماره اول، ص ۷۸-۱۰۲، دانشگاه پیام نور، تهران.
- ۲۶- قمری گیوی، حسین (۱۳۸۲)، عشق و نفرت در خالکوبی، نشر نیک آموز، اردبیل.
- ۲۷- کاشغری، محمود (۱۳۸۳)، دیوان لغات التترک، نوبت چاپ اول، انتشارات اختر، تبریز.

- ۲۸- کلکن، آن (۱۳۹۴)، نظریه هنر معاصر، جلد ۱، ترجمه بهروز عوض پور، انتشارات نگاه، تهران.
- ۲۹- کوسج، شمس الدین محمد (۱۳۸۷)، برزنامه [بخش کهن]، مقدمه، تحقیق و تصحیح اکبر نحوی، میراث مکتوب، تهران.
- ۳۰- گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک ابن محمود (۱۳۶۳)، زینالآخبار، انتشارات دنیای کتاب، تهران.
- ۳۱- گرمال، پیر (۱۳۶۷)، فرهنگ اساطیر یونان و رُم، جلد دوم، ترجمه احمد بهمنش، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- ۳۲- گرین، راجر لنسلین (۱۳۹۲)، اساطیر یونان، ترجمه عباس آقاجانی، نوبت چاپ ششم، انتشارات سروش، تهران.
- ۳۳- لوی استراوس، کلود (۱۳۸۰)، اسطوره و تفکر مدرن، ترجمه فاضل لاریجانی و علی جهان پولاد، نشر فرزاد، تهران.
- ۳۴- مالینووسکی، برونیسلاو (۱۳۷۹)، اسطوره [گذار از جهان اسطوره به فلسفه]، ترجمه محمد ضمیران، انتشارات هرمس، تهران.
- ۳۵- محبوب، محمد جعفر (۱۳۸۶)، ادبیات عامیانه ایران، جلد اول و دوم، به کوشش حسن ذوالفقاری، نوبت چاپ سوم، نشر چشمه، تهران.
- ۳۶- مدرسی، فاطمه و عزتی، الناز (۱۳۹۱)، مشابهات برخی از اسطوره های توتیمیک ایرانیان و ترکان، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره شناسی، سال هشتم شماره ۲۹، ص ۹۱-۱۱۵، دانشگاه آزاد تهران جنوب، تهران.
- ۳۷- مولوی (۱۳۹۴)، مثنوی معنوی دفتر اول بخش ۱۵۴ کبودی زدن قزوینی، نوبت چاپ اول، انتشارات عقیل، تهران.
- ۳۸- ویدن گرن، گئو (۱۳۷۷)، دینهای ایران، ترجمه منوچهر فرهنگ، انتشارات آگاهان ایده، تهران.
- ۳۹- یکتا، خاتون، (۱۳۸۸). و تنم دفتر نقاشی. مجله گزارش، شماره ۲۰۴، دیماه ۱۳۸۸، ص ۴۴ - ۴۶، تهران.
- 40- [https://en.wikipedia.org/wiki/Lycaon\\_\(Arcadia\)](https://en.wikipedia.org/wiki/Lycaon_(Arcadia))
- 41- <https://europeisnotdead.com/disco/books-of-europe/european-legends/turkey-the-grey-wolf/>
- 42- <http://nvdaily.ru/info/67719.html>
- 43- <https://rattatattoo.com/three-tattoo-artists-revolutionize-chinese-tattoo-design/chinese-guardian-lions-get-a-modern-art-style-in-this-artistic-tattoo-from-hong-kong-studio-tattoo-temple/>
- 44- <http://soakley75.deviantart.com/art/Eskimo-and-the-Wolf-25215695>
- 45- <http://tattoos.zonster.com/35-moon-tattoos-great-collection-of-pictures>
- 46- <https://www.askideas.com/32-indian-chief-wolf-tattoos/>
- 47- <http://www.journeyingpinay.com/2012/12/kalinga-buscalans-whang-od-pretty.html>
- 48- <http://www.orgsites.com/fl/wolves/>
- 49- <https://www.pinterest.com/pin/20864339521112962/>
- 50- <https://www.pinterest.com/pin/525795325217589237/>
- 51- [http://www.vanishingtattoo.com/tattoo\\_museum/greek\\_roman\\_tattoos.html](http://www.vanishingtattoo.com/tattoo_museum/greek_roman_tattoos.html)